

بررسی تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفت‌وگو از منظر زبان روسی

سعیده دست‌آموز^{*}، محمد رضا محمدی^۲

۱. استادیار زبان روسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۲/۸/۲۵ پذیرش: ۹۲/۸/۲۷

چکیده

در این پژوهش، تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی را بر روند گفت‌وگو بررسی خواهیم کرد. گفت‌وگوی موفق به تطابق مقاصد گفتاری دو طرف نیازمند است؛ به‌طوری که هریک به نیت مورد نظر خود از بیان گفته برسند. در این میان، گفته‌های مخاطب کنش‌های وابسته‌ای هستند که به‌طور کامل تحت تأثیر گفته‌های گوینده قرار می‌گیرند. در گفت‌وگوها، گاهی ساختارهایی به کار می‌روند که ویژگی کاربردی آن‌ها ایجاد تغییر در روند گفت‌وگو است. جملات پرسشی به‌طور گسترده در جایگاه پاسخ در گفت‌وگوها به کار می‌روند. در این حالت، آن‌ها کنش‌های گفتاری غیرمستقیم هستند؛ زیرا در کابرد مستقیم خود که همان طرح سؤال است، به کار نرفته‌اند. آیا این جملات می‌توانند روند گفت‌وگو را تغییر دهند و یا نشانگر شکست ارتباطی باشند؟ در این جستار، نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی که از سایت ملی زبان روسی و نیز متون ادبی گردآوری شده‌اند، در روند دیالوگها تجزیه و تحلیل می‌شوند. در این پژوهش که رویکرد کاربردشناسی و توصیفی دارد، از تئوری کنش گفتاری به عنوان ابزاری برای تحلیل گفت‌وگوها استفاده شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهند که برخی از کنش‌های گفتاری غیرمستقیم در زبان روسی نماد شکست ارتباطی هستند و برخی می‌توانند نشانگر تغییر روند گفت‌وگو باشند. از نتایج این تحقیق برای ترجمه کنش‌های گفتاری غیرمستقیم از زبان روسی به فارسی و بالعکس می‌توان استفاده کرد.

واژگان کلیدی: گفت‌وگو، کنش گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی، شکست در گفت‌وگو، تغییر روند گفت‌وگو، زبان روسی.

* نویسنده مسئول مقاله:



۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، دامنه علم زبان‌شناسی توسعه چشمگیری یافته و زبان‌شناسان دایرۀ مطالعات خود را توسعه داده‌اند؛ به‌طوری که تمامی ابعاد گفتار و فرآیندهای گفتاری را بررسی می‌کنند. بنابر گفته آروتیونوا^۱، علاقه به مطالعه حادق از این‌ها مطالعه واحدی زبان‌شناسی، جای خود را به مطالعه واحدی حداکثر از قبیل متن و گفتمان و آن هم در چارچوب تأثیر متقابل سخن و عمل داده است (Aрутюнова, 1999: 3): بنابراین، بررسی تعاملات گفتاری میان افراد جایگاه ویژه‌ای یافته است. همچنین، عوامل فرازبانی باعث ایجاد این تحولات در تحقیقات زبان‌شناسی شده‌اند. به عنوان مثال، نیاز اجتماعی به داشتن و کشف قانونمندی تعاملات بشری با درنظر گرفتن مؤلفه‌هایی از قبیل ویژگی‌های روان‌شناسختی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی در این روند داشته است و همین مسئله باعث ایجاد رابطه تنگاتنگ میان رشته‌های مختلف علوم انسانی شده است. به این ترتیب، در دهه‌های اخیر، تحقیقاتی انجام شدند که مسائل مختلف درزمنیۀ فرآیند ارتباط را به‌طور عام و خاص بررسی می‌کردند و تئوری‌هایی تدوین شدند که فرآیند گفتمان را تحلیل می‌نمودند. یکی از موضوعاتی که تمامی دانشمندان درمورد آن اتفاق نظر داشتند، مطالعه متن پیوسته یا گفتمان^۲ بود. کوبوزوا^۳ اعتقاد دارد که اگر ما زبان‌شناسان از بررسی جملات جداگانه به بررسی گفتمان روی بیاوریم، معانی نهفته در کلام را چندین برابر بیشتر درک می‌کنیم (Кобозева, 2009: 215).

در همین راستا، زبان‌شناسان روسی به فن مکالمه به‌طور ویژه‌ای توجه کردند و آن را به عنوان یکی از موضوعات اصلی زبان‌شناسی ارتباطی مطرح نمودند. ما نیز در این پژوهش، گفت‌و‌گو در زبان روسی را بررسی خواهیم کرد. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا گفتشاهی گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی در جریان گفت‌و‌گو به عنوان شاخصی برای شکست ارتباطی تبییر می‌شوند یا به مثابة ابزاری برای تغییر روند گفت‌و‌گو. سؤال دیگر این است که استفاده از این‌گونه ساختارها به عنوان استراتژی گفتاری تلقی می‌شود که کارکرد آن ایجاد تغییر در روند گفت‌و‌گو است یا نه.

در پژوهش حاضر، فرض می‌شود که از آنجا که گفتشاهی گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی از پتانسیل ارتباطی زیادی برخوردار هستند، بر روند گفت‌و‌گو تأثیر می‌گذارند.

۲. پیشینه پژوهش

زبان‌شناسان روسیه در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، مطالعه متن به صورت دیالوگ و مونولوگ را شروع کردند. شربا^۴، یاکوبسنسکی^۵، پالیوانف^۶، باختین^۷ و ویناگرادف^۸ از اولین زبان‌شناسان روسی بودند که این موضوعات را بررسی کردند.

شربا آغازگر فن تحلیل گفت‌وگو در روسیه است. وی با مطالعه زبان گروهی از اسلاموها که در اروپای مرکزی زندگی می‌کردند، دریافت که آن‌ها نمی‌توانند مونولوگ طولانی را بیان کنند. شربا نتیجه گرفت که مونولوگ به اندازه زیادی به ابتکار گوینده بستگی دارد، فرم هنری زبان است و زبان حیات اصلی خود را مدیون گفت‌وگو یا دیالوگ است (Щерба، ۱۹۱۵). یاکوبینسکی با شربا هم‌عقیده بود. او در کتاب خود، از دیالوگ به عنوان پدیده فرهنگی یاد کرد و ایجاد آن را برخلاف ایجاد مونولوگ، یک امر طبیعی تلقی نمود (Якубинский, 1986: 34).

بیدگاه‌های این دو، توجه پژوهشگران روس را به مطالعه گفت‌وگو جلب و آن را به یکی از موضوعات روز پژوهش‌های زبان‌شناسی تبدیل کرد. باختین یکی دیگر از دانشمندان روس بود که به مطالعه درزمنیه گفت‌وگو و گفتمان علاقه‌مند شد. او ماهیت طبیعی روابط در دیالوگها و مسئله دیالوگیزم یا گفت‌وگووار بودن را بررسی کرد (Бабаев, 2011: 6).

از آن پس، زبان‌شناسان روسی انواع مختلف گفت‌وگو را تحلیل و بررسی کردند. دانشمندانی نظیر وینگرادف و گالکینا فدوروک^۱ شرایط ایجاد و جریان یافتن دیالوگ را تحلیل نمودند. آروتیونوا و گاک^۲ معانی وجهی و ویژگی‌های کارکردنی و ارتباطی گفت‌وگو را بررسی کردند. با نگاهی به تاریخچه تحلیل گفتمان در زبان روسی، درمی‌یابیم که بسیاری از زبان‌شناسان در فرآیند تحلیل گفتمان، از تئوری کنش گفتاری جان اوستین^۳ و جان سیرل^۴ بهره برده‌اند. تئوری کنش گفتاری در چارچوب فلسفه زبان شکل گرفت. مبانی این تئوری برای اولین بار در سال ۱۹۵۵، در سخنرانی‌هایی در دانشگاه هاروارد مطرح و در سال ۱۹۶۲ در کتاب سخن به مثال^۵ عمل^۶ جان اوستین چاپ شد. جان سیرل تلاش کرد تا قواعد کنترل‌کننده کنش گفتاری را تدوین و مکانیزم‌های انتقال منظور گوینده به شنوونده در فرآیند ارتباط را توصیف کند (Кронгауз, 2005: 282).

در سال ۱۹۸۲، پادوچوا^۷ در مقاله «جنبهای کاربردشناختی ارتباط در گفت‌وگو»^۸، به نوع جدیدی از ارتباط متنی بین اجزای تشکیل‌دهنده گفت‌وگو با عنوان «ارتباط کاربردشناختی» اشاره کرد. منظور از جنبه‌های کاربردشناختی، بررسی گفت‌وگو از دیدگاه تئوری کنش گفتاری است. پادوچوا به وجود چهار نوع رابطه کاربردشناختی در گفت‌وگوها اشاره کرد که عبارت‌اند از:

۱. تطابق گفتارها از لحاظ کارکردهای منظوری آن‌ها؛
۲. ارتباط گفتارها با شرایط اقتضایی کنش گفتاری قبل از خود؛
۳. جهت‌گیری گفته‌ها به سوی فرضیات گفته قبلی؛
۴. رابطه گفته‌ها که بر مبنای روابط منطقی التزام در گفتمان تعیین می‌شود (Падучева, 1982: 282).

البته پادوچوا در مقالات خود، از دستاوردهای دانشمندان غیرروس، نظری جان سیرل (یکی از

بنیانگذاران تئوری کنش گفتاری) و گرایس^{۱۶}، استفاده کرده بود. با اینکه در سال‌های اخیر، در ایران پژوهش‌های گستردگی‌ای در حیطه تحلیل گفتمان و مکالمه در حوزه زبان فارسی انجام شده است (آقاگلزاده، ۱۳۹۱؛ خیرآبادی، ۱۳۹۲ و ...)، زبان‌شناسان ایرانی که در حوزه زبان روسی مطالعه کرده‌اند، به تحلیل گفتمان و مکالمه از منظر زبان روسی کمتر توجه کرده‌اند. این مسئله ضرورت انجام تحقیقاتی نظری مقاله حاضر را افزایش می‌دهد. در ادامه، با توجهی به مبانی تئوری کنش گفتاری، گفتگوها و کنش‌های گفتاری غیرمستقیم را در چارچوب این تئوری تحلیل می‌کنیم که به تغییر روند گفتگو منجر می‌شوند و یا نماد شکست ارتباطی هستند.

۳. تئوری کنش گفتاری به مثبتة ابزار تحلیل گفتمان

کوبوزوا معتقد است که تئوری کنش گفتاری یکی از شیوه‌های تحلیل گفتمان و به مفهوم بیان یک جمله از سوی گوینده در موقعیتی خاص و با هدفی خاص است (Кобозева، 2009: 258). بنابر گفته جان اوستین، کنش گفتاری عملی است که سه مرحله کنش بیانی^{۱۷}، کنش منظوری^{۱۸} و کنش تأثیری^{۱۹} دارد. منظور از کنش بیانی به زبان آوردن آواها، کلمات و جملاتی است که مفهوم خاصی داشته باشند و از قواعد دستوری خاصی پیروی کنند (Кронгауз، 2005: 282). کنش منظوری با کنش بیانی همراه است، هدف دارد و مقاصد گوینده در آن پنهان است. به گفته سیرل، کنش منظوری زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی خبری می‌دهد، سؤالی مطرح می‌کند، فرمانی می‌دهد، گزارشی ارائه می‌کند، تبریک می‌گوید، هشدار می‌دهد و مهم‌ترین ویژگی کنش منظوری توان منظوری و یا کارکرد منظوری است. به عقیده اوستین، توان منظوری همان عملی است که گوینده در جریان کنش گفتاری انجام می‌دهد. کنش تأثیری به مفهوم نتیجه کنش گفتاری و تأثیر آن بر مخاطب است. به عقیده سیرل، مهم‌ترین مرحله کنش گفتاری، همان مرحله دوم یا کنش منظوری است و درست به همین دلیل است که در مواردی، به جای کنش گفتاری، عبارت کنش منظوری به کار می‌رود (Серль, 2010: 56).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای تئوری کنش گفتاری، تکیک کارکردهای منظوری کلام و طبقه‌بندی آن‌ها است. جان اوستین اولین دسته‌بندی کارکردهای منظوری یا همان کنش‌های گفتاری را ارائه کرد. این دسته‌بندی بر مبنای طبقه‌بندی فعل‌های اجرایی^{۲۰} انجام شده است. فعل‌های اجرایی، افعالی هستند که کارکرد منظوری کلام را می‌توانند به نمایش بگذارند. به عنوان مثال، افعال خواهش کردن، توصیه کردن، قول دادن، تشکر کردن و ... هنگام استفاده به خودی خود نمایش‌دهنده کنش منظوری کلام هستند. جان سیرل کنش‌های منظوری را به پنج دسته کنش‌های گفتاری تقریری^{۲۱}، کنش‌های گفتاری هدایتگر^{۲۲}،

کنش‌های گفتاری تعهدآور^{۲۳}، کنش‌های گفتاری احساسی^{۲۴} و کنش‌های گفتاری اعلامی^{۲۵} تقسیم می‌کند. هدف از کنش‌های گفتاری تقریری واگذاری مسئولیت صدق بودن خبر بر عهده گوینده است. خبر، نکوهش، پیش‌بینی، اعتراض و ... از جمله کنش‌های گفتاری تقریری به‌شمار می‌روند. گوینده با بیان کنش‌های گفتاری هدایتگر یا امری می‌کوشد که شنونده را برای انجام کاری برانگیزد؛ مانند سؤال، خواهش، دستور، توصیه و ... کنش‌های گفتاری تعهدآور به‌مفهوم بیاناتی هستند که گوینده از آن‌ها برای ملزم کردن خود به انجام کاری در آینده استفاده می‌کند؛ مثل قول دادن، سوگند خوردن و ... کنش‌های گفتاری احساسی بیان‌کننده وضعیت احساسی گوینده و ارتباط او با کسی یا چیزی هستند؛ مانند تشرک کردن، تأسف خوردن، خوشحالی، احوالپرسی کردن و آرزو کردن. کنش‌های گفتاری اعلامی بیاناتی رابط بین کلام و واقعیت هستند؛ مانند عزل کردن، نصب کردن، نامگذاری شرکت و ... (Krongrayz, 2005: 287). دسته‌بندی‌های دیگری هم برای کنش‌های منظوری وجود دارد. به عنوان مثال، پادوچوا چهار گروه از کنش‌های گفتاری را متمایز می‌کند که عبارات‌اند از: کنش‌های منظوری بیانی، کنش‌های منظوری تعهدی، کنش‌های منظوری برانگیزانده و کنش منظوری سؤالی (Paducheva, 2010: 25).

موفق بودن کنش‌های منظوری درگرو فراهم بودن شرایط آن‌ها است؛ شرایطی که برای به‌جا بودن و به هدف رسیدن کنش گفتاری لازم است. این شرایط به چهار گروه شرایط محتوایی^{۲۶}، شرایط مقدماتی^{۲۷}، شرط صداقت^{۲۸} و شرط اصلی یا کاربردی^{۲۹} تقسیم می‌شوند. شرط محتوایی مقتضیاتی را نمایان می‌کند که کارکرد منظوری کلام روی محتوای معنایی گفتار اضافه می‌کند. شرایط مقدماتی شرایطی هستند که کنش گفتاری درصورت نبودن آن‌ها با شکست مواجه می‌شود. شرط صداقت بیان‌کننده وضعیت درونی است که ممکن است به گوینده نسبت داده شود. البته مبنای آن فرض بر صحت داشتن و جدی بودن کنش گفتاری است. شرط اصلی دربردارنده هدف منظوری گفتار است (Kobozzeva, 2009: 258).

۴. کنش‌های گفتاری غیرمستقیم و نقش آن‌ها در روند گفت و گو

مهم‌ترین بخش تئوری کنش گفتاری مباحث مریبوط به کنش‌های گفتاری غیرمستقیم است. کنش گفتاری غیرمستقیم زمانی تحقق می‌یابد که جمله‌ای که حاوی شاخص‌های توان منظوری یک کنش گفتاری است، برای تحقق دادن به کنش منظوری دیگری استفاده شود (Серль, 1986: 195). در این حالت، گوینده جمله‌ای را بیان می‌کند که علاوه‌بر محتوای ظاهری، از محتوای دیگری نیز برخوردار است. به عنوان مثال، در جمله «آیا می‌توانید نمک را به من بدهید؟»، منظور گوینده تنها طرح سؤال نیست؛ بلکه می‌خواهد از مخاطب تقاضا کند که نمک را به او بدهد (Ibid: 196). بنظر جان سیرل، هنگامی که از

گفتارهای غیرمستقیم استفاده می‌کنیم، کلام ما کاربرد تحت الفظی خود را حفظ می‌کند و منظور اصلی گوینده از طریق یکسری استدلال‌های منطقی درک می‌شود. این استدلال‌ها بر مبنای پیش‌زمینه‌های دانش زبانی و یا غیرزبانی مخاطب صورت می‌گیرند که از آن جمله می‌توانیم به دانستن آداب گفتاری اشاره کنیم. گرایس (۱۹۸۵) و گوردن و لاف (۱۹۸۵) از دانشمندانی هستند که کنش‌های منظوری غیرمستقیم را به‌طور خاص مطالعه می‌کنند. کونراد (۱۹۸۵) هم کنش‌های گفتاری غیرمستقیم را به‌طور کامل تحلیل و بررسی کرده است.

گاهی اوقات، شرایطی فراهم می‌شود که کنش‌های گفتاری مستقیم و یا غیرمستقیم موفقیت‌آمیز نمی‌شوند که در اصطلاح به این اتفاق عدم توفیق در ارتباط گفته می‌شود. منظور از عدم توفیق در ارتباط این است که مخاطب بخشی از گفتار و یا تمام آن را درک نکند؛ یعنی هدف ارتباطی گوینده به‌طور کامل تحقق نمی‌یابد و یا بخشی از آن تحقق می‌یابد. به عنوان مثال، اگر گوینده سؤال کند که «شما ساعت ندارید؟» و مخاطب در پاسخ به جای گفتن زمان، بگوید «دارم»، در این گفت‌وگو مخاطب تقاضای گوینده را به عنوان سؤال برداشت کرده است و در اصطلاح عدم توفیق در ارتباط کلامی رخ داده است. دلایل شکست‌های ارتباطی در آثار پادچوا، گارادیتسکی^{۳۰} و یرماکوا^{۳۱} بررسی شده است. پادچوا در مقاله «جنبهای کاربردشناختی ارتباط در دیالوگ»، به قواعد تطابق داشتن کنش‌های گفتاری با مبنای کارکردهای منظوری آن‌ها اشاره کرده است. بنابر نظریات او، واکنش مناسب در برابر کنش گفتاری تقریری یا همان خبری، تأیید، پیروی و یا رد است. واکنش مناسب برای کنش گفتاری سؤال، جواب است. واکنش مناسب در برابر تقاضا، پذیرفتن و یا رد تقاضا و واکنش مناسب در برابر تشکر، عذرخواهی، تبریک و ... است (Paducheva, 1982).

ممکن است که دلیل شکست ارتباطی رعایت نشدن یکی از شرایط موفقیت‌آمیز بودن کنش گفتاری باشد و یا اینکه واکنش مناسبی در برابر کنش گفتاری انجام نشده باشد.

جملات پرسشی به‌طور گسترده در جایگاه پاسخ در گفت‌وگوها به‌کار می‌روند. در تحقیقات پیشین و بررسی جملات پرسشی با ساختار مصدری، این مسئله بررسی شده است (Дастамуз, 2013). آیا ممکن است که این جملات پرسشی که در جایگاه پاسخ در گفت‌وگو به‌کار رفته‌اند و کنش گفتاری غیرمستقیم محسوب می‌شوند روند گفت‌وگو را تغییر دهند و یا شاخصی برای شکست ارتباطی باشند؟ در زیر، تکه‌هایی از دیالوگ‌هایی را تجزیه و تحلیل می‌کنیم که در آن‌ها، جملات پرسشی در جایگاه پاسخ در گفت‌وگو به‌کار رفته‌اند:

– Это уже беззаконие, – покачал головой Игорь Васильевич.

– Игорь, нам ли рассуждать о законах? (Дворецкий. НКРЯ).

ایگور واسیلیویچ سرش را نکان داد و گفت: «این دیگر بی‌قانونیست».

دوسنیش جواب داد: «ایگور، ما را چه به قضاوت درباره قانون؟!».

– Теперь пришли вы и начинаете с того, что арестовываете меня. Хороша свобода.
 – Благородное занятие. И очень нужное, – искренне похвалил я.
 Элоиза вспыхнула. – **Вам ли здесь судить о нас?** (Ломов. НКРЯ).
 – حالа шма آمدهاید و از دستگیری من شروع خواهید کرد. آزادی خوب است. من صمیمانه تقدير کردم و گفتم: «کار خوبی است و خیلی لازم است». الویز با عصباتیت گفت: «شما را چه به قضاوت درباره ما؟!»

– Веселому жить хочется, помирать не можется.
 – **Вам ли думать о смерти?** (Данилевский. НКРЯ).
 – انسان شاد زندگی می‌خواهد، با مرگ نمی‌تواند کنار بیاید.
 – **Шма рa چe به فkр kрden дrбaреe Merk?!**

در مثال اول، گوینده از کنش گفتاری تقریری استفاده می‌کند. شرایط توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری تقریری عبارت‌اند از:

۱. شرایط مقدماتی: الف. گوینده دلایلی دارد که گفتار X را صدق می‌داند و ب. برای گوینده آشکار نیست که شنوونده اطلاعاتی درمورد X دارد.

۲. شرط صداقت: گوینده به X اعتقاد دارد.

۳. شرط کاربردی: این کنش گفتاری به عنوان یک پیام درمورد وضعیت واقعی چیزی درنظر گرفته می‌شود (Paducheva, 2010: 25).

در مثال اول، روند طبیعی گفت و گو مستلزم این است که مخاطب در پاسخ به کنش گفتاری تقریری گوینده *Это уже беззаконие* (این دیگر بی‌قانونی است؟)، جمله‌ای را ادا کند که تأییدکننده یا ردکننده ادعای او و یا ادامه‌دهنده گفتار او باشد؛ ولی مخاطب با جمله *Игорь, нам ли рассуждать* (ما را چه به قضاوت درباره قانون؟)، به گوینده گوشزد می‌کند که او در جایگاهی نیست که درمورد قانون قضاوت کند. البته دلیل استفاده از ضمیر اول شخص جمع به‌جای ضمیر دوم شخص این است که مخاطب می‌خواهد به‌شیوه‌ای مؤدبانه و به‌طور کلی، به درست نبودن و بی‌مورد بودن گفتار گوینده اشاره کند. با این گفته، مخاطب روند گفت و گو را تغییر می‌دهد؛ زیرا گوینده با اینکه از کنش گفتاری تقریری استفاده کرده، شرط کاربردی کنش گفتاری تقریری نقض شده است؛ یعنی از نظر مخاطب، از آنجا که گوینده در جایگاهی نیست که در این مورد نظر بدده گفته‌اش با واقعیت مطابقت ندارد و یا اینکه نمی‌تواند مطابقت داشته باشد. به این ترتیب، نوعی شکست ارتباطی اتفاق می‌افتد و روند گفت و گو تغییر می‌کند.

در سایر مثال‌ها هم به همین صورت است. جملاتی نظیر *Вам ли здесь судить о нас!* (شما را چه به قضاوت درباره ما؟!) و *Вам ли думать о смерти?* (شما را چه به فکر کردن درباره مرگ؟!) که در واکنش به کنش‌های گفتاری تقریری گویندگان آمده‌اند، بی‌مورد بودن گفتار گوینده را



نشان می‌دهند و به مثابه ابزاری هستند که مخاطب با استفاده از آن‌ها می‌کوشد که روند گفت‌و‌گو را تغییر دهد. بیشتر جملات پرسشی با این کارکرد براساس الگوی $P? X-y$ ли (не) $P?$ ساخته می‌شوند. اگر بخواهیم معادلی در زبان فارسی برای این ساختار درنظر بگیریم، ساختار X را چه به P بهترین گزینه است. ارزیابی بی‌جا بودن گفتار مخاطب زمانی اتفاق می‌افتد که محتوای گفتار گوینده با داشت یا تصوری که مخاطب از گوینده دارد متفاوت باشد؛ یعنی مخاطب انتظار شنیدن این سخن را از هرکس دیگری دارد؛ به جز گوینده.

جملات پرسشی با ساختارهای دیگری هم وجود دارند که وقتی در جایگاه پاسخ قرار می‌گیرند، می‌توانند شاخص بی‌جا بودن کلام گوینده باشند؛ مانند جملاتی که در ساختار آن‌ها کلمه پرسشی وجود دارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

– Я не завожу шашней с женатыми мужчинами, – отрезала Настя.
 – А если бы я оказался свободен? – ухватился он за последнюю надежду.
 – Зачем говорить о том, чего нет, – пожала плечами красавица (Донцова. НКРЯ).
 Настия Хрф او را قطع کرد و گفت: «Мен бөнбайл بә дам аңдахтын مرдәхәй мәтәһел ныист». آخرین روزنә әмид дрәбәрәр او ပәдидар شد و گفت: «و اگر من آزاد باشم؟» دختر زیبا شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت: «چرا باید درمورد چیزی که نیست صحبت کرد؟»

– Слушай, ты никому не говори, что я тебе разрешил домой заехать, поняла? –
 сказал он на всякий случай.

– Кому мне говорить? Меня никто не слышит (Гиголашвили. НКРЯ).
 او محض احتیاط گفت: «گوش کن. تو به هیچ‌کس نگو که من به تو اجازه دام به خانه بیایی».
 – به چه کسی باید بگوییم؟ هیچ‌کس حرف من را نمی‌شنود.

– И вы еще смеетесь?
 – А что делать, плакать? (И. Грекова. НКРЯ).

– و شما هنوز می‌خندید؟

– پس چه باید کرد، باید گریست؟

– Да что вы все какие-то!.. Ну, братцы, не понимаю вас. Чего вы такие кислые-то все? – изумился Егор.

– А чего мне тут – хихихать с тобой? Ублажать, что ли, тебя? (Шукшин. НКРЯ).

ایگور شگفتزده گفت: «چرا اینجوری هستید! بچه‌ها من که نمی‌فهمم چه خبره. چرا اینقدر ترش رویی می‌کنید؟»

– نه پس چی، برات لبخند بزنم؟ نکنه می‌خوای باهات شوخي کنم؟

چنانکه در بالا دیدیم، واکنش مناسب به کنش گفتاری پرسش، پاسخ است و شرایط توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری پرسش عبارت‌اند از:

- شرط محتوایی: سؤال می‌تواند به طور دلخواه انتخاب شود؛
 - شرط مقدماتی: پرسشگر پاسخ را نمی‌داند و تصور می‌کند که مخاطب پاسخ را می‌داند و به همین دلیل از او سؤال می‌کند. برای آن‌ها مجھول است که مخاطب اطلاعات لازم را بدون اینکه از او سؤال شود بیان خواهد کرد یا نه.

- شرط صداقت: پرسشگر می‌خواهد اطلاعات مورد نظر را دریافت کند.
 شرط کاربردی: این کنش گفتاری به عنوان تلاش پرسشگر برای برانگیختن مخاطب به پاسخگویی و گفتن اطلاعات مورد نیاز او به کار می‌رود (Paducheva, 2010: 25).

در مثال اول، کنش گفتاری غیرمستقیم (چرا باید درمورد چیزی که نیست صحبت کرد؟) در پاسخ به سؤال (A если бы я оказался свободен?) در مورد چیزی که نیست صحبت کرد؟ آمده است. در گفته مخاطب، پاسخ دیده نمی‌شود؛ بلکه مخاطب در پاسخ به این سؤال یک پرسش مطرح می‌کند. می‌توانیم چنین برداشت کنیم که مخاطب سؤال گوینده را بدون مصدقاق تلقی کرده و به همین دلیل، از بیدگاه او این سؤال بی مورد است. در این دیالوگ نیز عدم تطابق توان‌های منظوری در گفته گوینده و مخاطب به شکست ارتباطی و تغییر روند گفتگو منجر شده است و کنش گفتاری غیرمستقیم (Zачем говорит о том, чего нет) که نیست صحبت کرد؟) شاخص این شکست ارتباطی به شمار می‌رود.

در مثال دوم، مخاطب در واکنش به تقاضای گوینده که با جمله я не никому не говори, что я говорю, что ты разрешил домой заехать (ты же ксю нюгъе мене разрешил домой заехать) مطرح شده است، از واکنش متناسب که عبارت است از قبول یا رد تقاضا، استفاده نمی‌کند؛ بلکه عبارت Kому мне говорить? (به چه کسی باید بگم؟) را به کار می‌برد که نشان‌دهنده تنقض یکی از شرایط مقدماتی توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری تقاضا از جانب گوینده است. برای گوینده و مخاطب مشخص نیست که مخاطب در صورت جریان یافتن عادی و قایع خودش، عمل موردنظر را انجام خواهد داد یا نه (Paducheva, 2010: 25). زیرا حتی در صورت عدم درخواست گوینده، مخاطب از آنجا که کسی حرف او را نمی‌شنود و از نظر او این مسئله برای گوینده محرز است، به کسی چیزی نمی‌گوید. به این ترتیب، در این مورد هم می‌توان کنش گفتاری غیرمستقیم را شاخص شکست ارتباطی در نظر گرفت.

در دو مثال بعدی، مخاطب واکنش گوینده در برابر رفتار خود را نادرست و بی‌موردنلایی می‌کند و برای اینکه گوینده را متوجه رفتار نادرست خود کند، به جای پاسخ دادن به سؤال او، از جمله *Что делать, / чего мне тут – хихихать с тобой? Ублажать, что ли, тебя?* پرسشی (پس چه باید کرد، باید گریست؟/ نه پس چی، برات لبخند بزنم؟ نکنه می‌خوای باهات شوخي کنم؟) استفاده می‌کند که محتوایی متضاد با جمله گوینده دارد و با سیر طبیعی و قایع سنختی



ندارد؛ یعنی باز هم گفت‌و‌گو از روند طبیعی خود خارج شده است و کلام گویندگان به اهداف موردنظر نمی‌رسد.

به مثال‌هایی زیر توجه کنید:

Улучив момент, я за рукав втянул уже изрядно подвыпившего Коротаева в кабинет и спросил, как стихотворение у Коли, пишется ли?

– Да откуда мне знать? Он же их в уме слагает и, как потом он говорит, записывает столбиком (Астафьев. НКРЯ).

من فرصت را غنیمت شمرده و کاراتایف را که مست بود به داخل اتاق کشیدم و از او پرسیدم که
روند نوشته شدن شعر کولیا چگونه است.

– از کجا باید بدانم؟ او آن‌ها را در ذهنش سروده و بعد همان‌طور که خودش گفت، ستونی
می‌نویسد.

– Адрес, – просительно молвила вдова, – нельзя ли адрес узнать?

– Чей адрес?

– О. Бендеря.

– Откуда же я знаю?(Ильф и Петров)

بیوه ملتمسانه تقاضا کرد: «آدرس ... نمی‌شه آدرس رو دونست؟»

– آدرس چه کسی؟

– بندر.

– من از کجا می‌دانم؟

– Инициатива, решение ... – передразнила Елена Геннадьевна. – просто я его
бросила.

– Почему?

– Надоело.

– А подробнее?

– Что может быть подробнее? Надоело и все.(Токарева)

یلنا گنادیونا با تمسخر گفت: «ابتکار یا تصمیم ... من فقط او را ترک کردم.»

– چرا؟

– جانم به لبم رسیده بود.

– و بیشتر؟

– بیشتر از این چه می‌تواند باشد؟ جانم به لبم رسیده بود، تمام.

Волобуев. – Доргие дети ... ты, Петр, и ты, Катерина ... Мы от всего родительского сердца ... желаем вам прожить жизнь, чтобы ... любили ... заботились ... помогли друг другу. Что еще? Скажи ты, мать.

Волобуева. – Что я буду говорить? Сказал и все!

بالابویف. فرزندان عزیزم ... تو پیتر و تو کاترین ... ما از صمیم قلب برای شما آرزو می‌کنیم که

حقیقتاً زندگی کنید و همیشه یکدیگر را دوست بدارید و به هم کمک کنید. دیگر چه؟ تو بگو مادر.

بالابویوا. چه می‌توانم بگویم؟ هرچه بود گفتی و تمام.

در مثال اول، مخاطب که در وضعیت مناسبی قرار ندارد، سؤال گوینده را بی‌مورد و بی‌جا ارزیابی می‌کند و به جای پاسخ مناسب، از کنش گفتاری غیرمستقیم? Да откуда мне знать؟ (از کجا باشد؟) استفاده می‌کند. از آنجا که گوینده پاسخی برای سؤال как стихотворение у Коли، بدانم؟) نوشته شدن شعر نزد کولیا چگونه است؟ نمی‌باید، به هدف ارتباطی خود، يعني دریافت پاسخ مناسب، نمی‌رسد. به این ترتیب، در این دیالوگ، جمله? Да откуда мне знать؟ می‌تواند شاخص شکست گفت‌و‌گو باشد؛ زیرا پرسشگر شرط مقدماتی کنش گفتاری سؤال (مخاطب جواب را می‌داند) را نقص کرده است. پرسشگر پاسخی را برای سؤال خود دریافت نمی‌کند؛ زیرا مخاطب اطلاعات مورد نیاز را در اختیار ندارد یا ونمود می‌کند که این اطلاعات را در اختیار ندارد. از سوی دیگر، از آنجا که واکنش مناسب دربرابر سؤال جواب است، گوینده با واکنش مناسبی در این مثال مواجه نشده است و می‌توانیم بگوییم که این عدم واکنش مناسب روند طبیعی گفت‌و‌گو را تحتتأثیر قرار خواهد داد. در مثال دوم هم شکست ارتباطی رخ داده است و کنش گفتاری غیرمستقیم (من از کجا می‌دانم؟) شاخص شکست ارتباطی است. *Откуда же я знаю?*

در مثال بعد، گوینده از مخاطب اطلاعات بیشتری را تقاضا می‌کند. واکنش مناسب در این زمان، пасخ به تقاضای گوینده است؛ ولی مخاطب با استفاده از کنش گفتاری غیرمستقیم *Что может бытъ подробнее?* (بیشتر از این چه می‌تواند باشد؟) نه تنها اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد، بلکه می‌کوشد که گفت‌و‌گو را تمام کند. در اینجا نیز کنش گفتاری غیرمستقیم نماد شکست ارتباطی است.

در مثال آخر، پدر (Волобуев) بعد از اینکه برای زوج جوان دعای خیر می‌کند، از همسرش تقاضا دارد که او نیز به عنوان مادر ادامه دهد و آرزوهای خود برای زوج جوان را بازگو کند؛ ولی مادر به جای پاسخ مناسب به این تقاضا، از کنش گفتاری غیرمستقیم *Что я буду говорить?* (چه می‌توانم بگویم؟) استفاده می‌کند. پاسخ مادر نماد شکست ارتباطی است؛ زیرا پدر به هدف ارتباطی کنش گفتاری تقاضا نرسیده است.

در مثال‌های بالا نیز پیامد شکست ارتباطی تغییر روند گفت‌و‌گو است؛ ولی در بررسی‌های انجام شده، مثال‌هایی دیده شدند که در آن‌ها، پس از اینکه مخاطب سؤال گوینده را بی‌مورد ارزیابی می‌کند، پاسخی هم برای آن درنظر می‌گیرد؛ مانند نمونه زیر:

– Куда они делись?

– Ну, откуда мне знать. Органы, наверное, забрали (Терехов. НКРЯ);

– آن‌ها کجا رفته‌اند؟

– Хочь из кого бывало? احتمالاً آن‌ها را گرفته‌اند.

– Он умер, господин Мюйр.

– От чего?



– **От чего умирают люди? Вам ли этого не знать.** От жизни, господин Мюйр (Левашов. НКРЯ);

– آقای میور، او مرده.

– چرا؟

– چرا مردم می‌میرند؟ این چیزی است که شما ندانید؟ از زندگی آقای میور.

– С кем же война, гражданин следователь?

– **Вам ли спрашивать, Фотий Иванович?** С вашим предполагаемым противником, с кем же еще (Владимов. НКРЯ).

– آقای بارپرس، آخر جنگ با چه کسی؟

– این چیزی است که شما بپرسید، فوتو ایوانویچ؟ با دشمن فرضی شما، پس دیگه با کی.

در مثال اول، مخاطب به گوینده یا پرسشگر می‌فهماند که سؤال او بی‌مورد است؛ زیرا مخاطب پاسخ را نمی‌داند و تنها می‌تواند حدس خود را بیان کند. واژه **наверное** (احتمالاً) شک او را نشان می‌دهد؛ یعنی باز شرط مقدماتی کنش گفتاری سؤال (مخاطب جواب را می‌داند) نقض می‌شود. به این ترتیب، در این مثال هم پرسش **Ну, откуда мне знать** (خوب از کجا بدانم؟) کنش گفتاری غیرمستقیمی است که شاخص شکست در گفتگو است؛ هرچند در این حالت با پاسخی که بعد از این ساختار ارائه می‌شود، روند گفتگو دستخوش تغییر نمی‌شود.

در مثال‌های دوم و سوم، نقض شدن بخش دوم شرط مقدماتی توفيق‌آمیز بودن کنش گفتاری سؤال (پرسشگر یا گوینده پاسخ را نمی‌داند) باعث می‌شود که مخاطب سؤال را بی‌مورد ارزیابی کند. سؤالات **Вам ли этого не знать** (این چیزی است که شما ندانید؟) و **Вам ли спрашивать** (این چیزی است که شما بپرسید؟) کنش‌های گفتاری غیرمستقیمی هستند که به‌کمک آن‌ها، مخاطب اعتراض خود را به طرح سؤال از جانب گوینده بیان می‌کند؛ زیرا پاسخ به‌اندازه‌ای واضح است که گوینده باید پاسخ آن را بداند و نباید سؤال کند.

همان‌طور که در مثال سوم می‌بینیم، مخاطب علاوه‌بر اینکه با استفاده از کنش گفتاری غیرمستقیم **Вам ли спрашивать** (این چیزی است که شما بپرسید؟) نشان می‌دهد که گوینده باید جواب را بداند، درادامه می‌کوشد گوینده را مقاعد کند که پاسخی که او در ذهن دارد، صحیح است؛ یعنی با بیان عبارت **С вашим предполагаемым противником, с кем же еще** (با دشمن فرضی شما، پس دیگه با کی؟) او را به پاسخی ارجاع می‌دهد که خودش در ذهن دارد. به این ترتیب، کنش‌های گفتاری غیرمستقیم از این دست هم می‌توانند شاخص شکست ارتباطی باشند؛ زیرا هرچند گوینده به هدف منظوری کنش گفتاری که انجام داده دست می‌یابد، شرط مقدماتی کنش گفتاری سؤال نقض شده است (گوینده یا پرسشگر جواب را نمی‌داند)؛ به سخن دیگر، گوینده پاسخی را که خودش می‌داند طلب کرده و شرط توفيق‌آمیز بودن کنش گفتاری سؤال را نقض نموده است. همین امر به شکست ارتباطی

منجر شده است؛ هر چند روند گفت و گو دستخوش تغییر نشده است.

در بررسی‌های انجام شده، در مثال‌هایی، کنش‌های گفتاری غیرمستقیم خمن و اکنش به سؤال گوینده و انتقاد از طرح سؤال، پاسخ به آن را نیز در خود مستتر کرده‌اند. در این کارکرد، کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی کارکرد خبری دارند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

—Подковка действительно была золотая с бриллиантами? —спрашивали Аннушку.

– Мне ли бриллиантов не знать, – отвечала Аннушка (Булгаков).

از آنوشکا پرسیدند: «آیا نعل اسپ واقعاً طلای ناب و برلیان نشان بود؟»

آنوشكا جواب داد: «یعنی من برلیان نمی‌شناسم؟»

— Но дал-то он вам червонцы, как вы говорите?

– Мне ли червонцев не знать, – отвечала Аннушка (Булгаков);

- آیا واقعاً یک اسکناس ده روبلی به تو داد؟

- يعني من اسكناس دهي نمي شناسم؟

—Я тебя уважаю, ну и ты не забывай, что я не фарцовщик какой-нибудь сопливый... Понял?

– Как тут не понять? – сказал Савостьянов (Вайнера. НКРЯ);

- من به تو احترام می‌گذارم؛ ولی تو هم من رو یک آدم بد فرض نکن ... فهمیدی؟

- چنین چیزی، و حظوظ، مشه نفهمد؟

—Квадрат видишь?

– Чего ж его не видеть? Вот он ... (Судьба моя. НКРЯ);

مربع دو می بندی؟

- ح اندیشیدنمش؟ او ناهاش، ... :

—Ляля Коля сейчас дома?

— А где же ему быть, милок? — Бабка обнажила в улыбке беззубый рот. — Сидит днем (Троицкий. НКРЯ)

دانی، کولبا الاز خونس؟

مادر بزرگ بالخندی که دهان بدون دندانش را نمایان می‌کرد، گفت: «س، کجا باید باشه، عزیزم؟

“குடும்ப கூடும்ப”

سؤالاتی نظیر «*Как Мне ли червонцев не знать? Мне ли бриллиантов не знать?*» این سوالاتی هستند که در روزنده‌گفت و گو احادیث شنیده است. مطابق با این سوالاتی نظیر، آنها دادگاهی‌اند که در آنها از این‌گونه ایجاد شده است: «*چنین چیزی رو چطور میشه تفهمید؟*» چرا باید بینمی‌شوند؟ یعنی من اسکناس دهی نمی‌شناسم؟ چنین چیزی رو چطور میشه تفهمید؟ چرا باید کجا باید باشه عزیزم؟ به طور غیرمستقیم پاسخی به سؤال گوینده هستند؛ ولی محتوا آن‌ها تداعی‌کننده مطالبی در ذهن گوینده است؛ به گونه‌ای که او احساس کند که سؤال بی‌جایی را مطرح کرده است. در هر صورت، گوینده پاسخ خود را دریافت کرده، شکست ارتباطی رخ نداده و تعقیبی در روند گفت و گو احادیث شنیده است.



در مثال اول، پاسخ مخاطب به سؤال *Подковка* действительно была золотая с бриллиантами؟ (آیا نعل اسب واقعاً طلای ناب و برلیان‌شان بود؟) مثبت است؛ ولی مخاطب به جای جواب کوتاه *да* (بله)، از کنش گفتاری غیرمستقیم *Мне ли бриллиантов не знать* (یعنی من برلیان نمی‌شناسم؟) استفاده کرده است. این پاسخ به این معنی است که آنوشکا امکان ندارد برلیان را نشناسد؛ بنابراین شک درمورد شهادتی که او داده بی‌مورد است. مثال دوم به همین شکل تفسیر می‌شود.

در مثال سوم، گفته گوینده آنقدر واضح است که مخاطب نمی‌تواند آن را نفهمد؛ بنابراین، به کنترل کردن او با سؤال (فهمیدی؟) نیازی نیست. پاسخ *Как тут не понять? (چنین چیزی رو چطور میشه نفهمید؟)* علاوه بر پاسخ مثبت به سؤال، بی‌مورد بود آن را گوشزد می‌کند.

در دیالوگ بعدی، پاسخ *Чего ж его не видеть? (چرا نباید ببینم؟)* نشان‌دهنده این مطلب است که مکعب در زاویه دید مخاطب قرار دارد و گوینده هم باید این را بداند؛ بنابراین، به طرح سؤال نیازی نیست.

در مثال آخر، پاسخ *A где же ему быть, милок?* (پس کجا باید باشه، عزیزم؟)، پاسخ مثبتی است که به‌طور غیرمستقیم مطرح شده است. در اینجا نیز شکست ارتباطی رخ نداده است؛ زیرا گوینده به منتظر خود که همان دریافت پاسخ است، دست یافته است.

باید درنظر داشته باشیم که در این مثال‌ها، مخاطب دلیل طرح سؤال بی‌جا ازسوی گوینده را نادرست بودن فرض اولیه او ارزیابی می‌کند (درباره فرض اولیه، ن.ک: 2010، پادучева). به عنوان مثال، فرض اولیه برای طرح سؤال *Подковка* действительно была золотая с бриллиантами؟ (آیا نعل اسب واقعاً طلای ناب و برلیان‌شان بود؟) این است که نعل ممکن بوده از طلا و برلیان نباشد و پاسخ *Мне ли бриллиантов не знать?* (یعنی من برلیان نمی‌شناسم؟) این فرض را رد می‌کند. فرض اولیه سؤالات (فهمیدی؟) و *Квадрат видишь?* (مکعب را می‌بینی؟) حاوی این مفهوم است که مخاطب ممکن است نفهمیده باشد و یا مکعب را ندیده باشد که البته پاسخ مخاطب این فرض‌ها را رد می‌کند. در سؤال *Дядя Коля сейчас дома?* (دایی کولیا الان خونش؟) گوینده فرض بر این دارد که ممکن است دایی کولیا در جای دیگری باشد و سؤال بلاغی *A где же ему быть?* (پس کجا باید باشه؟) این فرض را رد می‌کند.

به یک مثال دیگر توجه کنید:

– Так зачем же было ее везти с собой?

– **А что же? Я один буду по санаториям прохладжаться, а она – дома сидеть?**
Несправедливо. (Шукшин. НКРЯ).

– چرا باید اوно با خودتون می‌آوردید؟

-پس چی؟ من تنهایی در تفریحگاه وقت بگذرونم و اون تنها تو خونه بمونه؟ ناعادله است.
در این مثال، گوینده با کش گفتاری غیرمستقیم؟
Так зачем же было ее везти с собой?
(چرا باید اوно با خودتون می آوردید؟) درمورد عملکرد مخاطب را تردید می کند (برای آشنایی بیشتر با
تووانهای منظوری جملات پرسشی با کلمه پرسش و لفظ زیر را بخوانید).
مخاطب در این حالت، قبل از اینکه استدلال خود برای دفاع از عملکردش را به طور مستقیم بیان کند، از
کش گفتاری غیرمستقیم استفاده می کند تا به گوینده نشان دهد که ارزیابی او از موقعیت نادرست بوده
است و می کوشد که عملکرد خود را توجیه کند. در این دیالوگ هم کش گفتاری غیرمستقیم نماد
مشخص است ارتباطی و یا تغییر روند گفت و گو نیست.

۵۔ نتیجہ گیری

در این مطالعه، گفت و گو در زبان روسی را به عنوان یک پدیده اجتماعی با ماهیت طبیعی که همیشه موردن توجه زبان شناسان روس بوده است، بررسی کردیم. در همین راستا، کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی را بررسی نمودیم که در جایگاه پاسخ در گفت و گو به کار می‌رودند. نتایج نشان می‌دهند که این دسته از کنش‌های گفتاری غیرمستقیم از لحاظ تأثیرشان بر روند گفت و گو، به سه دستهٔ جداگانهٔ زیر تقسیم می‌شوند:

۱. کشتهای گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی که در جایگاه پاسخ در گفتوگوها ظاهر می‌شوند، نشانگر شکست ارتباطی هستند و روند گفتگو را تغییر می‌دهند. این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده به منظور مطلوب از بیان گفته نمی‌رسد و حدائقل یکی از شرایط توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری، را نقض می‌کند.

۲. کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی که در جایگاه پاسخ در گفت و گو ظاهر می‌شوند و با اینکه نشانگر شکست ارتباطی هستند، روند گفت و گو را تغییر نمی‌دهند. این حالت زمانی روی می‌دهد که گوینده با اینکه حداقل یکی از شرایط توفیق آمیز بودن کنش گفتاری را نقض می‌کند، به هدف منظمه، مطلوب خود دست می‌پاید.

۳. کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی که در جایگاه پاسخ در گفت و گو ظاهر می‌شوند و به مورد و نادرست بودن کلام گوینده اشاره دارند؛ ولی نشانگر شکست ارتباطی نیستند و روند گفت و گو را هم تغییر نمی‌دهند. این حالت در صورتی رخ می‌دهد که کلام گوینده به منظور مطلوب، رسیده باشد و هیچ‌یک از شرایط توافق آمیز بودن کنش گفتاری، وی، نظر، نشده باشد.



۶. پی‌نوشت‌ها

1. Н. Д. Арутюнова (N. D. Arutyunova)
 2. дискурс (discourse)
 3. И. М. Кобозева (I. M. Kobozeva)
 4. Л. В. Щерба (L. V. Sherba)
 5. Л.П. Якубинский (L.P. Yakubinsky)
 6. Г.Д.Поливанов (G. D. Polivanov)
 7. М. М. Бахтин (M. M. Bakhtin)
 8. В.В. Виноградов (V. V. Vinogradov)
 9. Е. М. Галкина – федорук (E. M. Galkina – Fedoruk)
 10. В.Г. Гак (V. G. Gak)
 11. J. Austin
 12. J. Searle
 13. слово как действие (word as sure as action)
 14. Е. В. Падучева (E. B. Paducheva)
 15. pragmaticкие аспекты связности диалога (the pragmatic aspects of connectivity in dialogue)
 16. Г. П. Грайс (G. P. Grice)
 17. локутивный акт (locutionary act)
 18. иллокутивный акт (illocutionary act)
 19. перлокутивный акт (perlocutionary act)
- معادل‌ها از کتاب کاربردشناسی زبان نوشته جورج یول (۱۳۸۳) و با ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر هستند. در کتاب‌های دیگر، معادل‌های دیگری استفاده شده‌اند؛ به عنوان مثال، دکتر ساسانی (۱۳۸۹) در کتاب برآمدی بر سخن‌کاوی، از واژگانی نظری کنش گفته‌ای، کنش در گفته و کنش با گفته استفاده می‌کند.
20. перформативы (performatives)
 21. . معادل فارسی از کتاب کاربردشناسی زبان جورج یول است.
 22. директивы (directives)
 23. комиссивы (commissives)
 24. экспрессивы (expressive)
 25. декларации (declaration)
 26. условия пропозиционального содержания (propositional content condition)
 27. предварительные условия (preliminary condition)
 28. условие искренности (sincerity condition)
 29. существенное условие или условие назначения (substantial condition or conditions of appointment)
 30. Б. Ю. Городецкий (B. U.Gorodetsky)
 31. Е. Н. Ермакова (E. N. Ermakova)

۷. منابع

- آقاگلزار، فردوس. (۱۳۹۱). «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان

- انتقادی». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)*. ش. ۲. پیاپی ۱۰.
- صص ۱-۱۹.
- خیرآبادی، رضا. (۱۳۹۲). «نقش تخطی از اصول گرایس در ایجاد نسل جدید لطیفه‌های ایرانی».
 - *مجله جستارهای زبانی*. ش. ۳. پیاپی ۱۵. صص ۳۹-۵۲.
 - ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۹). *معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*. تهران: علم.
 - یول، جورج. (۱۳۸۳). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. تهران: سمت.
 - Арутюнова Н. Д. (1999). Язык и мир человека. – М: Языки русской культуры.
 - Бабаев О. (2011). Диалогическая речь в романе Евгений Онегин // реферат. <http://www.coolreferat.com/>.
 - Гордон Д., Лакофф Дж. (1985). Постулаты речевого общения // Новое в зарубежной лингвистике. Выпуск XVI. Лингвистическая прагматика. – М., – С. 276-303.
 - Городецкий Б. Ю., Кобозева И. М., Сабурова И. Г. (1985). К типологии коммуникативных неудач // Диалоговое взаимодействие и представление знаний. – Новосибирск., – С. 64-78.
 - Грайс Г. П. (1985). Логика и речевое общение // Новое в зарубежной лингвистике. Выпуск XVI. Лингвистическая прагматика. – М. – С. 226-237.
 - Даствамуз С. (2013). Русские вопросительные инфинитивные предложения. – Германия: Lambert Academic Publishing.
 - Ермакова Е. Н., Земская Е. А. (1993). К построению типологии коммуникативных неудач // Русский язык в его функционировании. Коммуникативно-прагматический аспект. – М. – С. 30-64.
 - Кобозева И. М. (2009). Лингвистическая семантика. – М.
 - Конрад Р. (1985). Вопросительные предложения как косвенные речевые акты // Новое в зарубежной лингвистике. Выпуск XVI. Лингвистическая прагматика. – М. – С. 349-383.
 - Кронгауз М. А. (2005). Семантика. – М: Академия.
 - Мостовая Л. А. (2010). Семантические особенности и иллокутивные функции конструкций с вопросительными словами, *зачем* и *почему*: Дис. ... канд. филол. наук. – М.



- Падучева Е. В. (2010). Высказывание и его соотнесенность с действительностью. – М.
- Падучева Е.В. (1982)Прагматические аспекты связности диалога. -Изв. АН СССР. Серия литературы и языка, т. 41, № 4, с. 305- 313.
- Серль Дж. Р. (1986). Косвенные речевые акты // Новое в зарубежной лингвистике. Выпуск XVII. Теория речевых актов. – М., – С. 195-223.
- Серль Дж. Р. (2010). Философия языка. – М.
- Щерба Л.В. (1915). Восточнолужицкое наречие. – М: Издательство Академии Наук СССР.
- Якубинский Л.П. (1986). О диалогической речи. Избранные работы. – М: Наука.

References:

- Aghagolzadeh F. (2012). "Description and explanation of ideological linguistic structure in critical discourse analysis". *Journal of Language and Comparative Literature (Language Related Research)*. No.2. Pp.1-19 [In Persian].
- Arutyunova, N. D. (1999). *The Language and World of Man*. M. [In Russian].
- Babaev A. (2011). Dialogic speech in the novel Eugene Onegin // abstract. <http://www.coolreferat.com/>.
- Conrad, R. (1985). "Interrogative sentences as indirect speech acts" // *New in Foreign Linguistics. Issue XVI. Linguistic pragmatics*. - M. - Pp. 349-383. [In Russian].
- Dastamooz, S. (2013). Russian infinitive interrogative sentences. - Germany. [In Russian].
- Ermakova, E. N. & E. A. Zemskaya (1993). "On the construction of a typology of communication failures // Russian language in its functioning". *Communicative-Pragmatic Aspect*. - M. - Pp. 30-64 [In Russian].
- George, Y. (2004). *Pragmatics*. Translated in Persian by: M. Mahdiraji, M. Tavangar [In Persian].
- Gordon, D. & G. Lakoff (1985). "Postulates of speech communication" // *New in Foreign Linguistics. Issue XVI. Linguistic Pragmatics*. - M, - P. 276-303 [In Russian].
- Gorodetsky, B. Yu.; I. M. Kobozeva & I. G. Saburova (1985). "To the typology of communicative failures // dialog interaction and knowledge representation". - *Novosibirsk*. - Pp. 64-78 [In Russian].

- Grice, G. P. (1985). "Logic and speech communication " // *New in Foreign Linguistics. Issue XVI. Linguistic Pragmatics.* - M. - Pp. 226-237. [In Russian].
- Kheirabadi, R. (2013). "The violation of grice cooperative maxims and its role in developing the modern generation of Iranian jokes". *Language Related Research.* No.3. Pp. 39-53 [In Persian].
- Kobozeva, I. M. (2009). *Linguistic semantics.* – M. [In Russian].
- Krongauz, M. A. (2005). *Semantics.* - M. [In Russian].
- Mastavaya, L. A. (2010). *Semantic Features and Functions of Illocutionary Constructions with Interrogative words Почему and Зачем:* Ph.D. Dissertation - M. [In Russian].
- Paducheva, E. V. (1982) "Pragmatic aspects of connectivity in dialogue". *USSR Academy of Sciences. Series Liter and Language.* v. 41, № 4. Pp. 305- 313.
- ----- (2010). *Saying and its Relation to Reality.* - M. [In Russian].
- Sasani, F. (2010). *The Quest of Meaning: Toward the Social Semiotics.* Tehran: Elm[In Persian].
- Searle, J. R. (1986). Indirect speech acts // *New in Foreign Linguistics. Issue XVII. The theory of speech acts.* - M, - Pp. 195-223.
- Sherba, L. V. (1915). *The Dialect of est Luzhin.* - M. [In Russian].